



Journal of Religious Research & Efficiency



“The Solution for Efficiency of Connections Without the Intention of Proximity through the Order of Reward”

Ali Ghadrdan Gharamaleki^{1*}

1. Assistant Professor, Faculty of Theology and Islamic Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran.

DOI: 10.22034/nrr.2024.62410.1337

URI: https://nrr.tabrizu.ac.ir/article_18441.html

Corresponding Author: Ali Ghadrdan Gharamaleki	ABSTRACT
	In Islamic teachings, reward as a recompense for good deeds holds a central position. The vast majority of scholars have conditioned the attribution of reward to non-obligatory acts on the presence of the intention for divine proximity. In contrast, a minority have rejected this condition and believed in the attribution of reward to non-obligatory acts without the intention for divine proximity. This issue plays a significant role in the effectiveness of non-obligatory rulings. This research investigates the role of the intention for divine proximity in the attribution of reward to non-obligatory acts and evaluates the arguments of both sides. This study aims to carefully examine this issue and explain the correct viewpoint.
Received: 2024/07/09	
Detected: 2024/09/02	
Accepted: 2024/09/8	
Available: 2024/09/19	
Open Access	
Keywords: Optimization of supererogatory actions, Intention of proximity to God in supererogatory, Attribution of reward to supererogatory actions, Moral beauty of the agent, Intrinsic goodness of the action itself	<p>To achieve this goal, the author of this research-oriented study has gathered the necessary information through library research and has analyzed the issue and its branches through rational and textual, comparative, and critical analysis. In this research, after examining the concept of reward, its criteria, and the standards for attributing reward, the viewpoints and arguments of both sides of the debate have been examined and analyzed. The findings of the research indicate that the truth and nature of reward, its criteria and standards, as well as the distinction between natural reward and conventional reward play a key role in resolving this issue. Based on these findings, a new viewpoint is presented according to which conventional reward is not attributed to non-obligatory acts lacking the intention for divine proximity; however, this does not mean the absence of a reward for these types of good deeds, and these deeds are rewarded in a form other than reward and in a necessary and obligatory manner, which plays a fundamental role in the effectiveness of non-obligatory acts. Moreover, non-obligatory acts have a natural reward.</p>



فصلنامه دین پژوهی و کارآمدی



راهکار کارآمدسازی توصیلات فاقد قصد قربت از رکن‌ترتب ثواب

علی قادردان قراملکی*

۱. استادیار دانشکده الهیات و علوم اسلامی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

DOI: 10.22034/nrr.2024.62909.1358

URI: https://nrr.tabrizu.ac.ir/article_18521.html

چکیده

در آموزه‌های دین اسلام، ثواب به عنوان پاداش اعمال نیک، جایگاه محوری دارد. اکثریت قریب به اتفاق اندیشمندان ترتیب ثواب بر اعمال توصیلی را مشروط به وجود قصد قربت دانسته‌اند. در مقابل عده‌ای این شرط را نپذیرفته و به ترتیب ثواب بر اعمال توصیلی بدون قصد قربت معتقد شده‌اند. این مسئله در کارآمدسازی احکام توصیلات نقش مهمی دارد. در این تحقیق، مسئله نقش قصد قربت در ترتیب ثواب بر توصیلات مورد بررسی و ادله طرفین مورد ارزیابی قرار گرفت. این پژوهش با هدف بررسی دقیق این موضوع و تبیین دیدگاه صحیح انجام شده است. برای نیل به این هدف، در این تحقیق مسئله محور نگارنده با تحقیق کتابخانه‌ای اطلاعات مورد نیاز را گردآوری کرده و با تحلیل عقلی و نقلی، مقایسه‌ای و انتقادی به تبیین و تحلیل مسئله و فروع آن پرداخته است. در این پژوهش، پس از واکاوی مفهوم ثواب و معیارها و ملاک‌های ترتیب ثواب، دیدگاه و ادله طرفین مباحثه مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که حقیقت و چیستی ثواب، معیار و ملاک آن و همچنین تمایز بین ثواب تکوینی و ثواب قراردادی نقشی کلیدی در حل این مسئله ایفا می‌کنند. بر اساس این یافته‌ها، دیدگاه جدیدی ارائه می‌شود که طبق آن، بر اعمال توصیلی فاقد قصد قربت ثواب قراردادی مترتب نمی‌شود؛ اما این به معنای فقدان پاداش برای این دسته از افعال نیک نبوده و بر این افعال پاداش‌هایی در قالبی غیر از ثواب و به صورت حتمی و واجب مترتب می‌شود که نقشی اساسی در کارآمدسازی توصیلات دارد. همچنین افعال توصیلی دارای ثواب تکوینی هستند.

نویسنده مسئول:

علی قادردان قراملکی

ایمیل:

a.ghadrda@tabrizu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۱۹

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۶/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۶/۲۹



دسترسی آزاد

کلیدواژه‌ها:

کارآمدسازی توصیلات، قصد قربت در توصیلات، ترتیب ثواب بر توصیلات، حُسن فاعلی، حُسن فعلی.

در متون دینی دستورات مختلف و متعددی طرح شده که احکام مختلفی را بر دوش مکلفان قرار می‌دهند. این احکام در تحلیلی به دو قسم تعبدی (عبدادی) و توصلی (غیر عبادی) تقسیم می‌شوند. عبادت در لغت به معنای پرستش، خضوع و فروتنی، اطاعت و پیروی خاشعانه آمده است. (فیومی، بی‌تا: مدخل «عباده»؛ طریحی، ۱۴۱۶ق: مدخل «عباده») توصل نیز در معنای به چیزی رسیدن یا پیوستن به کار رفته است. (جوهری، ۱۴۱۰ق: مدخل «توصل»)

اشتراط و لزوم وجود قصد قربت و عدم اشتراط آن در اعمال، موجب تحلیل و تقسیم افعال انسان به تعبدی و توصلی شده است.^۱ در دانش اصول فقهه به واجباتی که فقط با وجود قصد قربت ساقط می‌شوند واجب تعبدی و به واجباتی که صرف انجام آن‌ها با هر قصد و نیتی موجب سقوط تکلیف می‌شوند واجب توصلی اطلاق می‌شود.^۲ (محقق خراسانی، ۹۴-۹۵: ۱۳۷۲)

به دیگر سخن، با بررسی این افعال نیک و پسندیده، روشن می‌شود که گاهی قصد قربت جزء و بخشی از عمل است که بدون آن عمل ناقص و ناتمام است و گاهی این‌گونه نبوده و قصد قربت نقش و جایگاهی در حقیقت عمل ندارد. قسم نخست افعال عبادی و قسم دوم افعال غیر عبادی هستند، لذا در صورت عدم همراهی قصد قربت در عبادات، عمل به صورت ناقص انجام شده که حکم به بطلان آن شده و دستور الهی نیز اتیان نشده است. در اعمال غیر عبادی فقدان قصد قربت خللی در عمل ایجاد نکرده و عمل به صورت کامل انجام شده است، لذا به وظیفه عمل و تکلیف ساقط شده است.

تقسیم اعمال به توصلی و تعبدی صرفاً به واجبات محدود نمی‌شود و مستحبات نیز مشمول این تقسیم‌بندی می‌شوند. مستحبات تعبدی، افعال نیکی هستند که به حد وجوب و الزام نرسیده‌اند و قصد قربت یکی از اجزاء آن‌هاست و بدون قصد قربت به صورت صحیح انجام نمی‌شوند. مستحب توصلی عمل مطلوبی است که آن نیز به حد وجوب نرسیده؛ اما قصد قربت از اجزاء آن نبوده و بدون قصد قربت امکان انجام آن هست. (کاظمی خراسانی، ۱۳۷۶: ۱۳۸)

۱. توصلیات در تحلیلی به دو صورت عام و خاص قابل تقسیم هستند. توصلیات به صورت عام شامل هر فعل غیر عبادی می‌شود که در بر گیرنده واجبات توصلی، مستحبات توصلی و مباحثات است. توصلیات به صورت خاص صرفاً شامل واجبات و مستحبات توصلی هستند، بنابراین در نوع نخست توصلیات به افعال نیک و غیر نیک تقسیم می‌شوند؛ اما در تقسیم دوم، افعال توصلی صرفاً نیک هستند. در این تحقیق مقصود از توصلیات قسم دوم است.

۲. البته برخی به جای تحلیل افعال به تعبدی و توصلی، آن‌ها را به تقریبی و توصلی تقسیم کرده‌اند. تقریبات لزوماً عبادت نبوده و خود به دو قسم تعبدی (عبدادی) نظیر نماز و روزه و غیر تعبدی (غیر عبادی) نظیر پرداخت زکات تحلیل می‌شوند. در توصلیات نیز اساساً قصد قربت شرط نشده است. (ر.ک: خمینی، ۱۳۹۸/۱: ۲۵۹؛ سبحانی، ۱۴۱۷ق: ۴۳)

گفتنی است، معیار و ملاک بیان شده در تحلیل افعال به تعبدی و توصلی، دیدگاه رایج و معروف در مسأله است؛ اما اصولیون متقدم امامیه و همچنین اهل تسنن معتقدند که معیار تقسیم افعال به تعبدی و توصلی، علم به معیار و ملاک تکلیف است. در صورتی که انسان حکمت و غرض افعال مورد توجه خدا را بداند، آن عمل توصلی و در صورت فقدان علم به حکمت، عمل عبادی می‌باشد. برای نمونه، انسان حکمت و فلسفه نجات غریق را می‌داند؛ اما از حکمت نماز و روزه اطلاعی ندارد، لذا نجات غریق عملی توصلی و نماز و روزه اعمال تعبدی هستند. (ضیاء الدین عراقی، ۱۴۱۴ق: ۲۲۹ / ۱؛ مظفر، ۱۳۷۵: ۷۶ / ۱؛ شاطبی، ۱۹۹۲م: ۷۹ / ۲ - ۸۰)

در دانش کلام نیز تعبدی در مقابل ارشادی قرار گرفته که مقصود مسائلهای است که عقل راهی به ادراک آن نداشته و صرفاً دارای دلیل نقلی است که باید تعبداً و نه عقلاً آن را پذیرفت. در مقابل دستوراتی قرار دارند که عقل آنها را درک کرده و نقل صرفاً ارشاد به حکم عقل است. (قاضی عبدالجبار، ۱۹۶۵م: ۱۷ / ۱؛ لاهیجی، ۱۳۸۳: ۳۵۳)

همچنین برخی معیار تعبدی بودن عملی را وجود سه شرط مباشرت، اباحه و اختیار دانسته که فقدان هر کدام از شروط سبب خروج عمل از دایره عبادات و ورود آن به جرگه توصیلات می‌شود. (فیاض، ۱۴۲۲ق: ۹۷ / ۱) طبق این دیدگاه جواب سلام با وجود عدم اشتراط قصد قربت در آن عملی عبادی و وجوب قضای نماز پدر بر پسر بزرگ پس از فوت، با وجود اشتراط قصد قربت عملی توصلی است، زیرا جواب سلام دارای سه شرط یاد شده است و وجوب نماز قضای والد فاقد شرط مباشرت می‌باشد.

پس از تبیین حقیقت توصیلات و تعبدیات و دیدگاه‌های مختلف در آن، طبق دیدگاه رایج و نخست، هیچ اختلافی در ترتیب ثواب بر عبادات نیست. سخن در توصیلات است که طبق دیدگاه رایج و مشهور، انجام این دسته از افعال بدون قصد قربت هیچ ثواب و پاداشی نداشته و صرفاً بر طرف کننده تکلیف هستند و فقط در صورت همراهی قصد قربت، ثواب بر آنها مترتب خواهد بود.

آیت الله اعرافی دیدگاهی در مقابل مشهور ارائه کرده که از ترتیب ثواب بر توصیلات فاقد قصد قربت حکایت دارد. ایشان با توجه به ادله مختلف که در ادامه خواهد آمد، قائل به عدم تأثیر قصد قربت در ترتیب ثواب بر توصیلات شده‌اند.

از آن‌جا که از سویی این مسأله نقش مهم و کلیدی در کارآمدسازی احکام توصیلات دارد و در صورت وجود ثواب و پاداش در آن‌ها مردم با اقبال بیشتری به انجام این دسته از افعال مشغول می‌شوند، و از سوی دیگر به دیدگاه آیت الله اعرافی که مخالف با دیدگاه مشهور است، پرداخته نشده است، در این پژوهش به کارآمدسازی توصیلات فاقد قصد قربت از رهگذر ترتیب ثواب پرداخته می‌شود و ضمن تبیین دو دیدگاه ترتیب و عدم ترتیب ثواب بر توصیلات فاقد قصد قربت، نظریه مختار در مسأله تبیین خواهد شد.

۱-۱ اهمیت موضوع

مسئله حاضر از اهمیت فراوانی برخوردار است و به علل و عوامل مختلفی لازم و ضروری است تا به آن پرداخته شود.

أ. کلامی بودن مسئله و کم توجهی به آن در دانش کلام: اگرچه بیشتر اندیشمندان و علمای دانش اصول فقه به این مسئله پرداخته^۱ و اکثر قریب به اتفاق آنان از دیدگاه اشتراط قصد قربت در ترتیب ثواب بر توصیلیات حمایت کرده‌اند؛ لیکن مسئله حاضر که ناظر به ثواب، پاداش و اجر است، مسئله‌ای اعتقادی و کلامی است که لازم است در دانش کلام و با مبانی و پیش فرض‌های کلامی-فلسفی به آن پرداخته شود.^۲

ب. کارآمدسازی احکام توصیلیات: این مسئله و نتیجه علمی آن تأثیر فراوانی در کیفیت و کمیت عمل به احکام توصیلی و غیر عبادی دارد. در صورتی که ثواب و پاداشی بر توصیلیات مترتب نباشد، چه بسا بسیاری از مردم انگیزه‌ای برای انجام افعال توصیلی و به ویژه مستحبات توصیلی نداشته و این افعال که دارای مصالح مختلفی هستند (با توجه به تبعیت دستورات دینی از مصالح و مفاسد) مغفول مانده و در نهایت هدف اصلی این بخش از احکام الهی محقق نشود.

ج. طرح دیدگاه جدید: مسئله عدم ترتیب ثواب بر توصیلیات بدون قصد قربت از مسائل روشن و بدیهی به شمار رفته که اگرچه بیشتر اندیشمندان به طرح آن می‌پردازنند؛ لیکن به ادله و فروع آن کمتر توجه شده است، لذا چه بسا با تأمل در مسئله بتوان جان تازه‌ای به مسئله بخشید و حتی توانست دیدگاه جدیدی در مسئله ارائه کرد. چنان‌که دیدگاه مخالفی در مسئله نیز وجود دارد که نشان می‌دهد مسئله حاضر قابلیت بحث و مطالعه به صورت جدی را دارد.

۲-۱ پیشینه تحقیق

مسئله نقش قصد قربت در ثواب داشتن افعال توصیلی، مسئله‌ای است که در کتاب‌های مختلف و به ویژه کتاب‌های اصولی مورد توجه اندیشمندان و عالمان دینی بوده و اکثر قریب به اتفاق نیز به اشتراط قصد قربت در

۱. البته برخی از اصولیون با وجود طرح این مسئله و مسائلی نظری انقیاد و تحری، تصریح دارند که مسئله بیش از آن که اصولی باشد، کلامی است. (ر.ک: خمینی، ۱۳۹۴: ۱/۴۲-۴۷؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۸: ۲/۲۲۵)

۲. یکی از تفاوت‌های مسئله کلامی و فقهی موضوع آن است. موضوع مسائل کلامی خدا، صفات او و افعال او می‌باشد و موضوع مسائل فقهی افعال مکلفان است. (سبحانی، ۱۴۲۸: ۳۲۷) تعلق و ترتیب ثواب بر افعال، فعل خدای متعالی و لذا یکی از مسائل دانش کلام است. البته از آنجا که شرطیت قصد قربت یا عدم آن درباره حکم شرعی و فعل مکلف است، مسئله‌ای فقهی است که موضوع بحث این تحقیق نیست. به دیگر سخن، از آنجا که مسئله ترتیب ثواب بر افعال توصیلی، واسطه در استنباط حکم شرعی قرار نمی‌گیرد، مسئله اصولی نیست و از آنجا که این مسئله ارتباط مستقیم با عمل و فعل خارجی مکلفان ندارد و حکم وضعی و تکلیفی نیست، مسئله‌ای فقهی نیز نیست، لذا مسئله حاضر که فعل خدای سبحان است، مسئله‌ای کلامی می‌باشد.

ترتیب ثواب اعمال توصلی باور دارند، لذا پیشینه پرباری در خصوص این بُعد مسأله در دسترس است. برای نمونه، در کتاب کفایه الأصول (محقق خراسانی، ۱۳۷۲ / ۱: ۱۳۹-۱۴۸)، أصول الفقه (مظفر، ۱۳۷۵: ۶۶-۷۰)، مقالات الأصول (ضياء الدين عراقي، ۱۴۱۴ ق: ۱ / ۲۲۵-۲۲۹)، نهاية الأصول (منتظری، ۱۳۷۵: ۹۷-۹۸)، اجود التقريرات (خوئی، ۱۳۶۸ / ۱: ۹۷) و ... به مسأله تقسیم افعال به توصلی و تعبدی و مسائل مربوط به آن پرداخته شده است.

البته پس از فحص و جست و جوی فراوان در خصوص موضوع این تحقیق، یعنی طرح و بررسی تطبیقی دیدگاه‌های مختلف و ارزیابی و مقایسه ادله آن‌ها، اثر مکتوبی مشاهده نشد. فقط آیت الله علیرضا اعرافی در برخی از دروسشان به مسأله اشاراتی داشته‌اند که به صورت اثر مکتوب منتشر نشده‌اند. همچنین در کتاب‌های کلامی به مسأله حاضر -که مسأله‌ای کلامی و اعتقادی است- کمتر پرداخته شده و پیشینه خاصی مشاهده نشده است. البته به صورت کلی و درباره حقیقت و ملاک ثواب مسائلی طرح شده است. برای نمونه خواجه نصیر الدین طوسی در کتاب تلخیص المحصل (طوسی، ۱۹۸۵: ۴۵۳)، علامه حلی در کتاب کشف المراد (حلی، ۱۴۱۳ ق: ۳۱۹)، محمد جعفر استرآبادی در کتاب البراهین القاطعه (استرآبادی، ۱۳۶۳: ۲۲۴ / ۴) و ... به مسأله چیستی ثواب و معیار آن پرداخته‌اند.

براین اساس، مقاله حاضر به صورت خاص فاقد پیشینه مدون است. به صورت کلی نیز نگارنده مقاله و اثر مستقل و مجزایی در خصوص نقش قصد قربت در ترتیب ثواب بر توصلیات را مشاهده نکرده است.

۱-۳ نوآوری تحقیق

مقاله پیش‌رو از جهات مختلفی دارای نوآوری می‌باشد.

أ. نوآوری موضوعی: مسأله عدم ترتیب ثواب بر توصلیات فاقد قصد قربت تقریباً مورد اتفاق اندیشمندان اسلامی است؛ لیکن عمدتاً این مسأله در دانش اصول فقه مطرح می‌شود. در این مقاله اولاً این موضوع به صورت کلامی و با مبادی کلامی مورد بررسی قرار گرفته و ثانياً صرفاً به تبیین دیدگاه مشهور اکتفا نشده و ضمن تبیین دیدگاه مخالف، در سدد ارائه نگاهی نو و جدید در مسأله می‌باشد.

ب. نوآوری ساختاری: برای نخستین بار مسأله نقش قصد قربت در ترتیب ثواب بر توصلیات به صورت مقایسه‌ای و تطبیقی میان دو دیدگاه موافق و مخالف طرح، تبیین و مورد ارزیابی قرار گرفته است. در این مقاله در کنار دیدگاه مشهور مبنی بر اشتراط قصد قربت در ترتیب ثواب بر توصلیات، به دیدگاه غیر مشهور مبنی بر عدم اشتراط پرداخته شده که سابقاً در جایی مشاهده نشده است، لذا ساختار مقایسه‌ای و تطبیقی در این موضوع فاقد سابقه است.

ج. نوآوری محتوایی: در مسأله حاضر نگارنده پس از تبیین و بررسی دو دیدگاه مشهور و غیر مشهور، دیدگاه جدیدی در مسأله ارائه کرده است. همچنین در مسأله چیستی ثواب و معیار و ملاک ثواب، نگارنده پس از طرح دیدگاه‌ها، نظریه ترکیبی را ارائه کرده است.

۲. مبانی مسأله

پیش از ورود به مسأله بایسته است تا به تبیین و تقریر برخی از مبانی مسأله مورد بحث پرداخته شود.

۱-۲ حقیقت و چیستی ثواب

یکی از مسائل مسلم و قطعی دین مبین اسلام، مسأله ثواب، پاداش و نتیجه اعمال انسان‌هاست. ثواب مأخذ از ریشه «ثوب» و به معنای رجوع است. به سبب آن‌که جزای عمل انسان به او بر می‌گردد، به آن ثواب اطلاق می‌شود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ذیل واژه «ثوب») بر اساس آیه «فَمَنْ يَعْمَلْ مِتْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ»^۱ انسان‌ها نتیجه تمام افعال و کردار خویش را خواهند دید و هیچ عملی بدون نتیجه نخواهد ماند.

نتیجه افعال انسان که در اصطلاح دینی به ثواب و عقاب معروف است، غیر از نتیجه ظاهری و آشکار افعال انسان می‌باشد. این نتایج غیر مادی و فراتطبیعی هستند و جایگاه اصلی و حقیقی آن‌ها در سرای آخرت است؛ لیکن در این دنیا نیز بخشی از آن به انسان‌ها باز می‌گردد و موجب ایجاد آثاری در دنیا و عالم ماده می‌شوند که به صورت طبیعی و عادی تبیین پذیر نیستند. (فضل بن شاذان، ۱۴۰۲ق: ۱۱۷؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق: ۱۵/۳۸) محققان در چیستی و حقیقت پاداش و ثواب دارای اختلاف نظر هستند و دو دیدگاه عمدۀ مطرح شده است.

الف. پاداش قراردادی

عمده متکلمان بر این باورند که اجر و پاداش کار نیک توسط خدای سبحان ایجاد شده و سپس بر انسان وارد می‌شود. ثواب منفعتی است که خدای سبحان به سبب افعال نیک و به همراه تعظیم و تجلیل به انسان عطا می‌کند. (حلی، ۱۴۱۲ق: ۴۰۹) طبق این رهیافت، ثواب و پاداش همانند جایزه‌ای است که والدین برای فرزند خویش به پاس انجام کار نیکی نظیر رعایت ادب خریداری می‌کنند. رابطه میان خدای متعالی و افعال بندگان نیز همین‌گونه است و اگر بندگان کار خیر و نیک انجام دهند، خدای سبحان اجر و پاداش برایشان لحاظ می‌کند.

ب. پاداش تکوینی

بر اساس دیدگاه فلاسفه و به ویژه حکمت متعالیه، ثواب امری قراردادی و بیرون از حقیقت فعل انسان و صادر از شخص دیگری نبوده و نتیجه تکوینی فعل است. (صدرالمتألهین، ۱۹۸۱م: ۹/۳۱؛ همو، ۱۳۶۰: ۳) خدای متعال خالق و رب تمام مخلوقات از جمله انسان‌هاست که آن‌ها را پس از آفرینش رها نساخته و با وضع قوانین، نظام و سنت‌هایی مشخص، به هدایت مخلوقات خویش پرداخته است.

۱. زلزال (۹۹): ۷

نظام و سنت‌های آفرینش به دو بخش تکوینی و تشریعی تقسیم می‌شوند که سنن تشریعی مختص انسان‌ها و موجودات دارای اراده و اختیار است. خدای متعالی با آفرینش انسان، شریعت و قوانین زیستن را نیز در اختیار وی قرار داد. با توجه به حسن و قبح ذاتی افعال، این قوانین و شرایع ناظر به ابعاد و جهات مختلف افعال انسانی هستند^۱ و لذا توصیه‌ها و اوامر الهی به سبب وجود ابعاد نیکو و حذرها و نواهی خدا به خاطر وجود ابعاد زشت و ناپسند در افعال می‌باشند.

با توجه به علم مطلق و بی‌پایان الهی از سویی و عدم دسترسی دانش بشری به حقایق درونی و تکوینی افعال از سوی دیگر، باری تعالی این داده‌ها و اطلاعات را در قالب گزاره‌های دینی در اختیار بشر قرار می‌دهد تا معرفت و شناخت آنان را تکمیل و انسان‌ها را در مسیر هدایت و سعادت قرار دهد.

به دیگر سخن، اوامر و نواهی شرعی دارای طریقت بوده و موجب علم و نیل انسان به واقعیت افعال می‌شوند و این دستورات تشریعی فاقد موضوعیت هستند، لذا هنگامی که فردی از فرمان الهی پیروی کرده و به سفارشات و تشریع آن حضرت عمل می‌کند، در حقیقت حسنات و امتیازات تکوینی که در پی انجام فعل ایجاد می‌شوند را کسب کرده و از آن بهره می‌برد. (جوادی آملی، ۱۳۸۵/۲: ۴۷۵-۴۸۲ و ۸/ ۳۴۰-۳۴۵؛ همو، ۱۳۷۷: ۱۰/ ۱۴۸) همانند والدینی که فرزند خردسال خویش را به سرمایه گذاری تشویق می‌کنند. در صورتی که کودک به توصیه‌های والدین گوش فرا دهد، سود حاصل از سرمایه گذاری پاداش اوست. در اینجا والدین پاداش مجازی برای کودک در نظر ندارند و نتیجه تکوینی فعل کودک پاداش او می‌باشد. (همو، ۱۳۸۵/۸: ۳۴۲-۳۴۳)

دیدگاه نگارنده: پاداش قراردادی و تکوینی

به نظر می‌رسد هر دو دیدگاه یاد شده صحیح و ناظر به بخشی از حقیقت مسأله ثواب هستند و با کنار هم قرار دادن هر دو دیدگاه، می‌توان نگاهی جامع به مسأله داشت. همان‌طور که فلاسفه گفته‌اند، ثواب نتیجه تکوینی فعل انسان است و همان‌گونه که متکلمان معتقدند، خدا طبق قرارداد خود به بندگان خویش ثواب می‌دهد.

توضیح آن‌که، خدای متعالی در قالب متون دینی به افعال نیک دستور داده است. انسان نیکوکار از فرمان الهی تبعیت کرده و انسان خطاکار به مخالفت با خدا می‌پردازد. اگرچه فرمان‌های الهی ناظر به حُسن و قبح ذاتی افعال هستند؛ لیکن دارای موضوعیت بوده و طریق صرف نیستند، لذا علاوه بر نتیجه تکوینی، مسأله موافقت و مخالفت با دستورات الهی و حُسن و سوء نیت نیز دارای اهمیت است. انسان نیکوکار از سویی با انجام فعل و تمسک به علت، نتیجه تکوینی و معلول فعل خویش را پدیدار می‌کند و از سوی دیگر به سبب اطاعت از دستورات خدا و گردن نهادن بر اوامر الهی، موجبات خشنودی و رضایت پروردگار را فراهم می‌کند و خدا نیز برای چنین فردی اجر و پاداش ماضعف در نظر می‌گیرد.

۱. یعنی سنن تشریعی بر پایه‌ی سنت‌های تکوینی بنا شده‌اند.

براین اساس و مطابق دیدگاه مختار ثواب ترکیبی از «پاداش قراردادی خدا» و «نتیجه تکوینی فعل» است. فرد نیکوکار در صورتی که قصد امثال امر خدا را داشته باشد، دارای دو ثواب است. یکی برای اطاعت امر خدا و خشنود سازی پروردگار که خدای متعالی این پاداش و ثواب قراردادی را در اختیار فرد نیکوکار قرار می‌دهد. دیگری نتیجه تکوینی اراده و فعل انسان است که در نفس انسان نیکوکار پدیدار می‌شود.

۲-۲ معیار و ملاک ترتیب ثواب

پس از تبیین حقیقت و چیستی ثواب، به بررسی معیار و ملاک ترتیب ثواب پرداخته می‌شود. محققان در معیار و ملاک ترتیب ثواب بر افعال انسان دارای اختلاف هستند. در مسأله دو دیدگاه مطرح است.

الف. حُسن فاعلی

برخی معتقدند معیار ترتیب ثواب بر افعال انسان موافقت و همراهی اعمال با علم، حجت و دلیل عقلی و شرعی است. انسانی که دارای نیت خالص و مقدسی است و به قصد انجام دستورات عقل و دین و طبق دلیل معتبر عمل نیکی را انجام می‌دهد، به وظیفه خویش عمل کرده و به هیچ وجه قصد سرکشی و طغیان و مخالفت با دستورات خدا و عقل را ندارد، لذا مستحق پاداش و ثواب است.

ترتیب ثواب بر اعمال منوط و مشروط به موافقت عمل با واقعیت نیست، زیرا معیار و ملاک ثواب، صرفاً حُسن فاعلی است که در صورت موافقت یا مخالفت عمل با واقع موجود است. (محقق خراسانی، ۱۳۷۲/۱: ۱۱۰ و ۲۵۹-۲۶۱؛ صدر، ۱۴۰۶/۲: ۴۳؛ مشکینی، ۱۳۷۱/۱: ۹۶)

به دیگر سخن، ثواب در قبال سختی و رنجی است که فرد به سبب عمل به دستور خدای سبحان آن را تحمل کرده است. در صورتی که خدا دستوراتی را ارائه نکرده بود، فرد با هیچ مشکل و سختی روبرو نشده بود؛ لیکن پس از امر خدا، فرد برای اتیان دستورات الهی با رنج و مشقت روبرو شده و بر خدای سبحان واجب است که این رنج را با عوضی که همراه با تعظیم و تکریم است، جبران نماید، لذا ترتیب ثواب منوط به این است که مشقت تحمل شده، به خاطر دستور خدا باشد و این همان حُسن فاعلی است. (طوسی، ۱۴۰۷/۴: ۴۵۳؛ حلی، ۱۴۱۳/۱: ۳۱۹؛ استرآبادی، ۱۳۶۳/۴: ۲۲۴)

ب. حُسن فعلی

در مقابل گروهی بر این باورند که معیار و ملاک ثواب، انجام عمل در واقع نیک است، لذا فقط در صورتی انسان نیکوکار مستحق ثواب است که عمل فقط در نظر او نیک نبوده و در واقع نیز عمل نیکو و پسندیده باشد، بنابراین در صورتی که طبق ادله گمان شود فعلی نیک است و به آن عمل شود؛ لیکن در واقع آن عمل نیکو نباشد، فرد با وجود حُسن فاعلی و نیت خیر و تحمل سختی و مشقت، مستحق ثواب نخواهد بود، چراکه ثواب پس از حُسن فعلی پدیدار می‌شود که در محل بحث حُسن فعلی موجود نیست.

بله، به سبب حُسن فاعلی و نیت خیر فرد، فاعل ستایش و تشویق شده و به احتمال فراوان خدای متعالی نیز پاداشی به صورت تفضیلی و از روی کرامت به فرد عطا می‌نماید. همچنین به سبب تحمل مشقت و سختی فاعل مستحق عوض است؛ لیکن بر عمل او ثواب استحقاقی مترتب نمی‌شود. (خوئی، ۱۴۱۷ق: ۲ / ۳۷۷؛ طباطبائی حکیم، ۱۴۳۴ق: ۳ / ۵۰)

دیدگاه نگارنده: حُسن فاعلی و فعلی

پس از تبیین حقیقت ثواب و تبیین دیدگاه نگارنده مبنی بر جامعیت ثواب (ثواب تکوینی و قراردادی)، به نظر می‌رسد بتوان در مسأله معیار و ملاک ثواب نیز دیدگاه سومی ارائه داد که بر اساس آن، حُسن فعلی دارای ثواب وضعی و تکوینی و حُسن فاعلی دارای ثواب قراردادی، تشریعی و الهی است.

توضیح آن‌که، با توجه به حُسن ذاتی افعال، جهت حُسن و نیکوبی در درون و ذات افعال نهفته که با توجه به سنخیت، از افعال ذاتا نیک آثار و نتایج مطلوب و پسندیده صادر می‌شود. (حلی، ۱۴۱۳ق: ۳۰۲؛ سبحانی، ۱۴۲۷ق: ۲ / ۲۷۷) این آثار و نتایج در حقیقت ثوابی هستند که تنها در صورتی که فعل در واقع نیک باشد بر فعل مترتب می‌شود، چراکه در صورت نیک نبودن فعل، عامل ایجاد آثار محقق نشده و با نبود علت، معلول نیز پدیدار نخواهد شد، بنابراین ثواب تکوینی تنها در صورت وجود حُسن فعلی، ایجاد می‌شود.

خدای متعالی انسان‌ها را به تبعیت از دلیل‌های معتبر و عمل طبق این ادله سفارش کرده است. عمل بر اساس خواست الهی و گردن نهادن بر دستورهای خدا و انجام افعال به قصد امتثال اوامر الهی ارزشمند است و موجبات جلب رضایت پروردگار را با انجام وظیفه فراهم می‌کند. چنین فاعلی مستحق تعظیم و تکریم است و خدا پاداش و ثوابی در اختیار این فاعل قرار می‌دهد: «آنیٰ لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنْكُمْ»^۱

چنین فردی به سبب دستورات خدا افعالی را انجام داده که اگر خدای متعالی پاداش و ثوابی به او ندهد، در حق این فرد ظلم شده که با حکمت و عدالت خدا سازگار نیست، لذا این فرد به سبب حُسن فاعلی قطعاً پاداش و ثواب قراردادی خواهد داشت.

براین‌پایه، اگر فردی به وظیفه خویش عمل کرده و عمل او نیز مطابق واقعیت باشد، چنین فردی دارای پاداش کامل و مجموعه ثواب تکوینی و قراردادی خواهد بود. ثواب قراردادی به خاطر انجام وظیفه و حُسن فاعلی و ثواب تکوینی به سبب حُسن فعلی و انجام فعل در واقع نیک؛ اما در صورت فقدان هر یک از جهات حُسن فعلی و فاعلی، ثواب مناسب با آن محقق نخواهد شد.

شاهد و موید دیدگاه مختار،^۲ قاعده «تسامح در ادله سنن» است که مطابق آن اگر فردی عمل مستحبی را به قصد دریافت ثواب و مطلوبیت عمل نزد خدا انجام دهد، اگرچه آن عمل در واقعیت مطلوب نباشد، خدای متعالی

۱. آل عمران: (۳): ۱۹۵.

۲. این قواعد شاهد و نه دلیل ذکر شده است، چراکه چه بسا گفته شود ثواب در این موارد تفضیلی و نه استحقاقی است.

به فرد پاداش و ثواب عطا می‌کند، بنابراین اگرچه فعل انجام شده، حسن ذاتی و فعلی ندارد و به تبع ثواب تکوینی را در پی ندارد؛ لیکن اجر و پاداش قراردادی به سبب نیت و قصد خوب را از دست نخواهد داد. (شیخ انصاری، ۱۴۱۵ق: ۱۴)

شاهد دیگر قاعده روایی «لِمُصَبِّ أَجْرَانِ وَلِمُخْطِئِ أَجْرٌ وَاحِدٌ» است که طبق آن قصد، نیت و تلاش مجتهد در استنباط احکام شرعی دارای ثواب قراردادی است. در صورت استنباط صحیح و اصابت به حکم شرعی واقعی، ثواب تکوینی نیز برای مجتهد لحاظ می‌شود و در صورت عدم اصابت، صرفاً پاداش قراردادی برای قصد و نیت الهی و کوشش وی و نه به خاطر رسیدن به واقع لحاظ می‌شود. (غروی، ۱۲۶۱ق: ۴۰۶)

شاهد دیگر نیز مسأله «انقیاد» است که در آن فرد با قصد و نیت الهی فعلی را که گمان داشته مطلوب و حسن است انجام داده؛ اما در تشخیص اشتباه کرده و در واقعیت فعل مطلوب خدا نبوده و فاقد حُسن فعلی و ذاتی می‌باشد. در اینجا نیز فرد به سبب حُسن فاعلی مستحق ثواب قراردادی است و از ثواب تکوینی محروم می‌باشد. (محقق خراسانی، ۱۳۷۲: ۴۲۲)

۳. توصلیات بدون قصد قربت و ترتیب ثواب بر آن

پس از ذکر مبانی مسأله، اینک به سوال و مسأله اصلی تحقیق خواهیم پرداخت که ترتیب ثواب بر افعال توصلی مشروط به وجود قصد قربت است و بدون آن هیچ ثوابی در کار نخواهد بود و یا آنکه چنین شرطی در میان نبوده و انجام افعال توصلی بدون قصد قربت نیز دارای ثواب هستند؟

در مسأله قریب به اتفاق اندیشمندان ترتیب ثواب بر توصلیات را منوط به وجود قصد قربت دانسته و تعداد اندکی از جمله آیت الله اعرافی به مخالفت با این دیدگاه پرداخته‌اند. در ادامه به تبیین و تحلیل این دو دیدگاه و ادله آن‌ها پرداخته و در نهایت دیدگاه مختار مطرح خواهد شد.

۱-۳ عدم ترتیب ثواب بر توصلیات فاقد قصد قربت

با فحص و بررسی آراء اندیشمندان و فقهاء مشاهده می‌شود که اکثر آنان ترتیب ثواب بر توصلیات را مشروط به وجود قصد قربت می‌دانند. مقصود از ثواب در این دیدگاه، ثواب قراردادی است که ناظر به حُسن فاعلی می‌باشد.

از منظر این دسته از اندیشمندان خدای متعالی تنها زمانی به انسان‌ها پاداش و ثواب عطا می‌کند که افراد اولاً دارای اسلام و ایمان و ثانیاً دارای قصد قربت باشند. وجود این دو شرط که موجب حُسن فاعلی می‌شوند- برای استحقاق ثواب لازم و ضروری است و بدون هر یک از آن‌ها ثواب منتفی خواهد بود.

دلیل این اشتراط وجود ادله فراوانی است که استحقاق ثواب را به این دو مشروط کرده‌اند. برای نمونه در روایات نقل شده که پاداش و ثواب الهی در گرو نیت و قصد افراد است، لذا اگر فردی عمل خویش را با قصد قربت و رضایت پروردگار انجام دهد، پاداش و ثواب الهی نصیبیش می‌شود و فردی که قصد و نیت دنیوی و غیر

الهی داشته باشد، خدای متعالی همان منفعت دنیوی را برای فرد تأمین کرده و خبری از پاداش اخروی و الهی نخواهد بود: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَ إِنَّمَا لِامْرَئٍ مَا نَوَى فَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ مَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ لِامْرَأَةٍ يَتَزَوَّجُهَا أَوْ لِدُنْيَا يُصِيبُهَا فَهِجْرَتُهُ إِلَى مَا هَاجَرَ إِلَيْهِ» (ابن حیون، ۱۳۸۵ق: ۱/۴)، «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَ لِكُلِّ امْرَئٍ مَا نَوَى فَمَنْ غَرَّ ابْتِغَاءَ مَا عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مَنْ غَرَّ يُرِيدُ عَرَضَ الدُّنْيَا أَوْ نَوَى عَقَالًا لَمْ يَكُنْ لَهُ إِلَّا مَا نَوَى» (عربی، ۱۳۶۷: ۳۴۶) روایات دیگری نظیر «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَ لِكُلِّ امْرَئٍ مَا نَوَى» (جعفر بن محمد ع: ۱۴۰۰ق: ۵۳) و «لَا عَمَلَ إِلَّا بِنِيَّةً» (برقی، ۱۳۷۱: ۱/۲۲۲؛ صفار، ۱۴۰۴ق: ۱/۱۱) نیز بر این دلالت دارند که ثواب تابع قصد قربت است و بدون آن هیچ ثوابی بر عمل مترب نمی‌شود.

دلیل دیگر احادیث قدسی است که در آن‌ها خدای سبحان خود را برترین شریک معرفی کرده است. بدین معنا که اگر فردی عملی را بدون قصد قربت و یا با قصد قربت و به همراه قصد دنیوی انجام دهد، خدای سبحان سهم خویش را نیز به شریکش بخشیده و هیچ بخشنی از این عمل را نمی‌پذیرد: «أَنَا خَيْرُ شَرِيكِ مَنْ أَشْرَكَ مَعِيَ غَيْرِي فِي عَمَلِي لَمْ أَقْبِلْ إِلَّا مَا كَانَ لِي خَالِصًا» (علی بن موسی ع: ۱۴۰۶ق: ۲/۳۸۱؛ عیاشی، ۱۳۸۰ق: ۲/۳۵۳) طبق این دسته از روایات خدای متعالی صرفاً افعال خالصی که دارای قصد قربت هستند را پذیرفته و پاداش می‌دهد و افعال فاقد قصد قربت یا دارای قصد قربت ناخالص را نپذیرفته و ثواب و پاداشی هم نخواهد داد.

با مراجعة به متون دینی مشخص می‌شود، ایمان و اسلام نیز از دیگر شرایط ترتیب ثواب بر افعال انسان می‌باشند. آیات متعددی از قرآن کریم شرط ثواب داشتن عمل و مایه سعادت بودن اعمال را اسلام و ایمان معرفی کرده است: «وَ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَيْ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بَغْيَرِ حِسَابٍ»^۱ همچنین آیات مختلفی اعمال کافران و افرادی که ایمان نیاورده و یا از ایمان بازگشته‌اند را، بی‌فایده دانسته که موجب سعادت آنان در قیامت نخواهد شد: «وَ مَنْ يَكْفُرُ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبَطَ عَمَلَهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ»^۲، «وَ مَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنِ دِينِهِ فَيَمُتْ وَ هُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبَطْتُ أَعْمَالَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ»^۳

یکی از شواهد این دیدگاه، مسأله انقیاد است. بیشتر فقهاء معتقدند اگرچه در انقیاد حُسن فعلی و ذاتی وجود ندارد؛ لیکن به سبب وجود حسن فاعلی و نیت خالص فاعل مستحق ثواب است و خدا نیز به همین خاطر به وی ثواب و پاداش عطا می‌کند. (صدر، ۱۴۰۶ق: ۲/۴۳)

۱. غافر (۴۰): ۴۰.

۲. مائدہ (۵): ۵.

۳. بقره (۲): ۲۱۷.

با این تعابیر روشن شد، طبق این دیدگاه حُسن فعلی که عبارت است از اینکه عمل در واقع مطلوب و نیک باشد، به تنها بی نقش و تأثیری در ثواب قراردادی نداشته و باید در کنار آن حُسن فاعلی نیز قرار داشته باشد، لذا انجام فعل نیک بدون قصد قربت و بدون ایمان، با آنکه دارای حُسن فعلی است؛ اما به سبب فقدان حُسن فاعلی فاقد ثواب قراردادی است.

براین اساس، این دیدگاه حُسن ذاتی و فعلی را برای ترتیب ثواب کافی نمی‌داند و معتقد است باید در کنار آن، حُسن فاعلی نیز وجود داشته باشد، لذا عملی نظیر سجده که دارای حُسن فعلی است، در صورتی که همراه با قصد قربت و حُسن فاعلی باشد، دارای ثواب خواهد بود. در مقابل عملی مانند ناسزا گفتن که دارای قبح فعلی است، اگر همراه با حُسن فاعلی بباید (مثلًا فردی در پندار خود به خاطر خدا ناسزا بگوید) به سبب فقدان حُسن فعلی دارای ثواب نخواهد بود.

حاصل آنکه، طبق این دیدگاه شرط ترتیب ثواب همراهی دو حُسن فعلی و فاعلی است که بدون هر یک ثوابی در کار نخواهد بود، لذا قصد قربت یکی از شروط ثواب داشتن است که در افعال توصلی فاقد قصد قربت حاضر نیست، لذا بر توصیلات ثوابی مترتب نمی‌شود.

۳-۲-۳ ترتیب ثواب بر توصیلات فاقد قصد قربت

در مقابل دیدگاه مشهور و غالب اندیشمندان، آیت الله اعرافی دیدگاه دیگری را مطرح کرده که طبق آن، قصد قربت شرط ترتیب ثواب بر توصیلات نیست. ایشان با تفکیک میان دو مسئله صحت سنجی اعمال و ترتیب ثواب بر افعال معتقدند، قصد قربت فقط شرط صحت عبادات است که در افعال توصلی این اشتراط وجود ندارد؛ لیکن در مسئله ترتیب ثواب، قصد قربت موضوعیتی نداشته و معيار و ملاک ترتیب ثواب، حُسن فعلی و انجام صحیح افعال نیک و پسندیده است، بنابراین در صورتی که فردی افعال توصلی را به صورت صحیح و حتی بدون قصد قربت انجام دهد، ثواب بر عمل او مترتب می‌شود. (اعرافی، درس فقه روابط اجتماعی: ۱۲/۱۲/۱۳۹۹)

براین اساس، تفاوت افعال عبادی و غیر عبادی نه در ترتیب و عدم ترتیب ثواب، بلکه در صحت و عدم صحت در صورت همراهی قصد ریا و فقدان قصد قربت می‌باشد که افعال عبادی در صورت نبود قصد قربت یا وجود ریا غیر صحیح و باطل و به تبع فاقد ثواب و افعال توصلی در صورت نبود قصد قربت یا وجود ریا صحیح و به تبع دارای ثواب هستند.^۱ (اعرافی، درس خارج فقه تربیتی: ۰۶/۱۱/۱۳۷۷) آیت الله اعرافی در درس خویش می‌فرمایند:

۱. بیان یاد شده، دیدگاه آیت الله اعرافی می‌باشد. البته در خصوص ریا دو دیدگاه مطرح است. بیشتر فقها به حرمت ریا باور دارند (خوئی، هادوی تهرانی / کد سایت fa7600 و برخی دیگر با وجود نکوهش ریا، حکم به حرمت آن نداده‌اند). (هادوی تهرانی، بی‌تا: پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله هادوی تهرانی ۸/۵-۷) ریا در عبادات از سویی به موجب خدشه‌دار نمودن قصد قربت، مبطل عبادات است و از سوی دیگر به موجب قبح ذاتی -طبق دیدگاه مشهور- یا باطل نمودن عبادات -طبق دیدگاه دوم- عملی حرام است؛ اما به سبب فقدان شرطیت قصد قربت در توصیلات، ریا موجب بطلان توصیلات نمی‌شود البته مطابق دیدگاه نخست عملی حرام و طبق دیدگاه دوم عملی غیر حرام می‌باشد. البته طبق دیدگاه دوم نیز در برخی مواردی که دلیل خاص وارد شده -نظیر تعلیم ریائی قرآن (مجلسی، ۱۴۰۳/۷/۲۱۶)- عملی حرام و دارای عقاب خواهد بود.

«فرق دوم بین تعبدی و توصلی [توصیلیات بدون قصد قربت ثواب ندارند و فقط رافع عقاب هستند؛ اما عبادات دارای ثواب هستند] که تا حدی مورد قبول خیلی هاست؛ ولی نه برهانی بر این مسأله پیدا کردیم و نه ظواهر منطبق آن است، بلکه شاید ظواهر بیشتر بر خلاف آن دلالت داشته باشد... دیدگاه من بیشتر این است که فرق اول [ریا موجب بطلان عبادات است؛ اما غیرعبادات را باطل نمی‌کند] وجود دارد ولی فرق دوم وجود ندارد.» (همان) همچنین می‌گویند: «اگر کسی از یک شهری دفاع می‌کند و لو برای ریا باشد، معلوم نیست به او ثواب داده نشود.» (همان)

توضیح بیشتر آن‌که، خدای متعالی در متون دینی به افعال نیک و پسندیده‌ای اشاره کرده و از بندگان خویش خواسته به این افعال اشتغال ورزند. با مراجعه به متون دینی مشاهده می‌شود که خدای سبحان برای برخی از این افعال شرط قصد قربت قرار داده و برای برخی این شرط را وضع نکرده است، چراکه برخی افعال بدون قصد قربت مطلوب نیستند و هدف و غرض الهی را تأمین نمی‌کنند؛ اما برخی افعال دیگر بدون قصد قربت نیز تأمین کننده اغراض الهی هستند. مثلاً خدای سبحان نماز را به جهت نزدیک شدن نمازگزار به خدا واجب کرده است و در صورتی که فردی نماز را بدون قصد قربت اقامه نماید، هدف و غرض خدا محقق نمی‌شود و لذا پاداشی هم در میان نخواهد بود؛ لیکن دستور خدا به دفن میت یا دفاع از حکومت دینی به جهت حفظ احترام جنازه مومن و حفظ دین است که اگر فردی با قصد ریا آن را انجام دهد نیز غرض مولا را محقق کرده و لذا مستحق پاداش و ثواب است.

حاصل آن‌که، عبادات بدون قصد قربت ناقص هستند و هدف مولا را تأمین نمی‌کنند، لذا عبادات بدون قصد قربت صحیح نیستند و اطاعت الهی محقق نشده و از این‌رو فاقد ثواب‌اند؛ اما توصیلیات بدون قصد قربت هدف پروردگار را محقق می‌سازند و لذا صحیح و کامل هستند و به موجب اطاعت و انجام صحیح عمل دارای پاداش و ثواب هستند. (اعرافی، درس خارج اصول فقه: ۱۳۹۱/۰۸/۰۷) البته روشن است که در صورت همراهی قصد قربت، فعل نیک برتر و بهتر شده و به تبع پاداش و ثواب آن‌ها نیز مضاعف خواهد شد.

علل و عوامل مختلفی سبب شده تا قائلان به این دیدگاه با رد دیدگاه نخست به طرح این دیدگاه پیردازند که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود.

الف. وجود تفاوت میان مستحبات توصلی و مباحات: این دیدگاه معتقد است در صورتی که بر توصیلیات فاقد قصد قربت نظریر دفاع از وطن و امر به معروف و نهی از منکر ثوابی مترتب نشود، این عمل همانند و همدیف اعمال مباح نظری راه رفتن و غذاخوردن خواهد بود. این درحالی است که توصیلیات مورد توجه خدای سبحان و دارای حسن فعلی و ذاتی هستند؛ ولی افعال مباح فاقد این خصیصه می‌باشند، بنابراین نمی‌توان به یکسانی و همدیفی این دو دسته از اعمال حکم کرد. (اعرافی، درس فقه روابط اجتماعی: ۱۳۹۹/۱۲/۱۳)

ب. اطلاق روایات ثواب داشتن افعال و مقید نشدن آن‌ها با ادله محدود: دیدگاه نخست با تمسک به برخی ادله نقلی سعی دارد تا ترتیب ثواب بر افعال را مشروط به وجود قصد قربت نماید. این درحالی است که این ادله در مقایسه با ادله نقلی که برای توصیلیات اجر و پاداش‌هایی به صورت مطلق بیان کرده‌اند و سخنی از اشتراط قصد قربت به

میان نیاورده‌اند، بسیار اندک و محدود هستند،^۱ لذا چند دلیل نقلی نمی‌تواند قید منفصل متون دینی مطلق و فراوان باشد. (همان)

ج. اختصاص ادله مقید کننده به افعال عبادی: با مراجعه به آیات و روایات مورد استناد دیدگاه نخست -که آن‌ها را قیود منفصل برای اشتراط قصد قربت در مسأله ترتب ثواب به حساب می‌آورند- مشخص می‌شود این ادله در فضای عبادات وارد شده و ناظر به افعال عبادی هستند. بیشتر این روایات در باب مقدمه عبادات و مباحث اخلاقیات وارد شده و ارتباطی با افعال توصیلی ندارند و نمی‌توانند اطلاقات ترتب ثواب بر توصلیات را مقید به قصد قربت کنند. (همان)

حاصل آن‌که:

«کارهای توصیلی مانند انقاد غریق، دفع مکروب، احسان به پدر و مادر و چیزهایی از این قبیل، آیا بدون قصد قربت به ثوابی دست می‌یابد یا نه؟ فهرست بلند بالایی که ما از واجبات توصیلی داریم که شخص آن را انجام می‌دهد، ولی توجهی به حکم ندارد یا این‌که توجه دارد ولی قصد قربت ندارد. عقاب هم دفع می‌شود گناهی هم مرتكب نشده است اما آیا ثواب می‌برد یا نه؟ اینجا است که یک احتمال وجود دارد که بله ثواب می‌برد؛ چراکه این عمل اطاعت خدا است و در اطاعت خدا بالاخره قصد قربت نبود، بدون قصد قربت هم اطاعت است و اطاعت مستوجب مدح است و احياناً موجب ثواب است.» (اعرافی، درس خارج اصول فقه: ۸/۰۸/۱۳۹۱)

۳-۳ عدم ترتب ثواب و ترتب پاداش بر توصلیات فاقد قصد قربت

نگارنده معتقد است که می‌توان دیدگاه سومی ارائه کرد که به نوعی حد وسط دو دیدگاه یاد شده باشد. بر اساس دیدگاه مختار، بر توصلیات بدون قصد قربت، ثواب مترتب نمی‌شود؛ اما این افعال دارای اجر و پاداش استحقاقی و یا تفضیلی (تفضیل واجب و تفضیل لطفی) هستند.

توضیح آن‌که، نتیجه و پی‌آمد افعال نیک به سه صورت قابل فرض است. گاهی در پی فعل نیک «ثواب» قرار می‌گیرد که نفع استحقاقی همراه با تعظیم و تکریم است. گاهی «عوض» قرار دارد که نفع استحقاقی بدون تعظیم و تکریم است که فرد به سبب زحمت و مشقت تحمل شده، آن را دریافت می‌کند. گاهی نیز «تفضیل» است که نفع غیر استحقاقی و بدون تعظیم و تکریم می‌باشد. (طوسی، ۱۴۰۷ق: ۲۰۶)

تفاوت نفع استحقاقی و نفع غیر استحقاقی آن است که در استحقاق فرد طلبکار ثواب است؛ اما در تفضل طلبی در میان نیست و اگر خدا نفعی عطا کند لطف کرده و اگر عطا نکند، کسی چیزی را طلب نخواهد کرد. همان‌گونه که گذشت ثواب به دو قسم تکوینی و قراردادی تحلیل می‌شود. طبق دیدگاه مختار و مطابق ادله مورد استناد دیدگاه نخست -ادله نقلی که ترتب ثواب را منوط به قصد قربت دانسته‌اند- ثواب قراردادی ناظر به

۱. روایات فراوانی از ثواب برای افعال توصیلی نظیر دفاع از وطن، ازدواج، سلام کردن و ... حکایت دارند که در هیچکدام ثواب متوقف و منوط به قصد قربت نشده است. (ر.ک: شیخ صدوق، ۱۴۰۶ق: ۱۶۰ و ۱۹۰؛ همو: ۱۳۶۲/۲؛ ۴۸۰/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۲۰/۷۵)

حسن فاعلی است و خدای متعالی ثواب را تنها به مسلمانان و مومنانی عطا می‌کند که عمل را خالص و با قصد قربت انجام داده باشند.

و جدان و سیره عقلاً شاهد این مطلب است که پرداخت منفعت همراه با تعظیم و تکریم، تنها در صورتی صحیح است که فرد نیکوکار افعال خود را با قصد قربت و امتنال امر مولاً انجام دهد و در صورتی که عملی به صورت تبرعی انجام شود، استحقاق ثواب و پاداش ساقط می‌شود. همانند کسی که چیزی را گم کرده و برای یابنده آن مژدگانی در نظر می‌گیرد. اگر فردی با اطلاع از مژدگانی گم شده را یافته و تحويل دهد، طلبکار مژدگانی شده و در صورت عدم پرداخت مژدگانی، به او ظلم شده و می‌تواند شکایت نماید؛ اما اگر فردی بدون اطلاع از مژدگانی گم شده را یافته و تحويل دهد، مستحق مژدگانی نیست و در صورت عدم پرداخت نیز حق شکایت ندارد، چراکه او با قصد تبرعی و مجانية و نه با نیت دریافت مژدگانی این عمل را انجام داده است.^۱ (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق: ۱۱/ ۱۵۰-۱۵۱) بله، اعطای مژدگانی تفضل و لطفی است که صاحب مال می‌تواند انجام دهد؛ اما بر او واجب نیست.

براین اساس، انجام هر فعلی از جمله توصلیات بدون قصد قربت و صرفاً برای رسیدن به منافع ظاهری و دنیوی آن (نظیر دفن میت برای تکریم میت و عدم انتشار بوی تعفن) فاقد حسن فاعلی است و ثواب قراردادی به معنای پرداخت نفع همراه تعظیم و تکریم منتفی می‌شود.

البته این به معنای فقدان هرگونه اجر و پاداش قراردادی (نه ثواب تکوینی) در توصلیات فاقد قصد قربت نیست. در صورتی که انجام توصلیات موجب زحمت و تحمل مشقت برای فرد شود، آن فرد مستحق عوض است که سختی تحمل شده را جبران سازد، لذا بر خدای سبحان لازم و واجب است تا به این فرد پاداشی عطا کرده و رنج و سختی که او به سبب انجام افعال نیک متحمل شده را جبران نماید. این پاداش اگرچه ثواب نیست؛ اما استحقاقی و واجب است و فرد حتماً به پاداش خویش خواهد رسید. با مطالعه و بررسی افعال توصی (مثل دفن میت، جهاد، ادای دین و ...) مشخص می‌شود، انجام بیشتر آن‌ها دارای سختی و مشکلاتی هستند، لذا در مسأله باید گفت که بر افعال توصی اجر و پاداش استحقاقی مترتب می‌شود. (حلی، ۱۴۱۳ق: ۲۳۲-۲۳۳)

در صورتی که انجام افعال توصی فاقد قصد قربت باشند و انجام آن‌ها نیز سختی و مشقتی نداشته باشند، ثواب قراردادی به سبب فقدان قصد قربت و پاداش قراردادی (عوض) به دلیل عدم تحمل مشقت و سختی در کار نخواهد بود. (حلی، ۱۴۱۳ق: ۲۳۲-۲۳۳) در این صورت ممکن است خدا با رحمت و مهربانی خویش نفع قراردادی (تفضل) به فرد نیکوکار برساند.

۱. این مسأله طبق دیدگاهی است که جعله را عقد و نه ایقاع می‌داند.

البته توصیلیاتی که در متون دینی و عده پاداش برای فاعل آنها بیان شده، به سبب وجوب عمل به وعده، بر خدا واجب است که نفع تفضیل را به فرد نیکوکار برساند و اشتراط قصد قربت و تحمل سختی معیار و ملاک نخواهد بود.

گفتنی است، با توجه به وعده الهی بر پاداش در برخی افعال توصلی نظیر جهاد،^۱ امر به معروف و نهی از منکر^۲، مسوک زدن^۳ سلام و جواب سلام^۴ و ... شاید بتوان مدعی شد که سیره و سنت الهی، تفضل به فاعل های افعال توصلی است. همچنین به نظر می رسد خدای متعالی برای ایجاد تفاوت میان افعال مباح و توصیلیات بر افعال توصلی پاداش قراردادی مترتب سازد.

براین اساس، دیدگاه مختار آن است که مبنای دیدگاه نخست مبني بر اختصاص ثواب با تعریف یاد شده (نفع استحقاقی همراه تعظیم و تکریم) بر حُسن فاعلی صحیح است و فعل فاقد حُسن فاعلی هیچ ثواب قراردادی ندارد؛ لیکن این سخن به معنای فقدان هرگونه پاداش استحقاقی در انجام افعال توصلی نیست. توصیلیات به هر صورتی که انجام شوند، دارای اجر و پاداش هستند، لذا میان توصیلیات و مباحثات تفاوت وجود دارد.

با مراجعه به روایاتی که پاداش هایی برای توصیلیات بیان کرده اند، روشن می شود که این روایات از اعطای پاداش ها به افراد نیکوکار حکایت دارند؛ اما در مقام بیان چگونگی اعطای این پاداش ها (این که این پاداش ها و منافع به صورت «نفع استحقاقی همراه با تعظیم و تکریم» یعنی ثواب، «نفع استحقاقی بدون تعظیم و تکریم» یعنی عوض و «نفع غیر استحقاقی و بدون تعظیم و تکریم» یعنی تفضل به فرد نیکوکار می رستند) نیستند، لذا اصل این پاداش ها به سبب وجود دلیل خاص و وعده الهی قطعی و حتمی است و مشروط به وجود قصد قربت نیست؛ لیکن کیفیت اعطای آنها منوط به چگونگی انجام اعمال است که روایات در مقام بیان این مسأله نیستند.

در پایان گفتنی است، تمام مسائل بیان شده در نظریه مختار، پیرامون ثواب قراردادی و الهی است. ثواب تکوینی ارتباطی با حُسن فاعلی (قصد قربت و اسلام و ایمان) نداشته و با حُسن فعلی و ذاتی پدیدار می شود. برخی از این آثار وضعی و تکوینی در دنیا محقق شده و فرد از نعمت های دنیوی بهره می برد. بخش عمده اثر تکوینی در آخرت و قیامت ظاهر گشته و فرد نتیجه تکوینی عمل خویش را مشاهده کرده و از تاییج آن بهره می برد.

۱. «خُيُولُ الْغَرَاءِ هِيَ خُيُولُهُمْ فِي الْجَنَّةِ»، (شیخ صدوق، ۱۴۰۶ق: ۱۹۰)

۲. «الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهِيُّ عَنِ الْمُنْكَرِ خَلْقَانِ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَمَنْ نَصَرَهُمَا أَعْزَهُ اللَّهُ وَمَنْ خَذَلَهُمَا خَذَلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ»، (همان: ۱۶۰)

۳. «فِي السَّوَّاکِ اثْتَانِ عَشْرَةَ خَصْلَةً ... مَرْضَأً لِلرَّبِّ ... وَيَضَاعِفُ الْحَسَنَاتِ ... تَحْضُرُهُ الْمَلَائِكَةُ وَ... رَكْعَتِينِ بِسِوَاکٍ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ سَبْعِينَ رَكْعَةً بَعِيرِ سِوَاکٍ»، (همو، ۱۳۶۲/۲: ۴۸۰)

۴. «اللِّسَّانِ سَبْعُونَ حَسَنَةً تِسْعَ وَسَتُونَ لِلْمُبْتَدِيِّ وَوَاحِدَةً لِلرَّأَدِ»، (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۷۵/۱۲۰)

۴. نتیجه‌گیری

این پژوهش به کارآمدسازی احکام ناظر بر توصلیات از رهگذر ترتیب ثواب پرداخته است. درباره ترتیب ثواب بر افعال نیک توصیلی دو دیدگاه وجود دارد: بر اساس دیدگاه اول و رایج، ترتیب ثواب بر توصلیات مشروط به وجود قصد قربت است، در حالی که مطابق دیدگاه دوم، ترتیب ثواب مشروط به وجود قصد قربت نیست. دیدگاه رایج بر پایه ادله نقلی که اسلام، ایمان و قصد قربت را از شروط ترتیب ثواب معرفی می‌کنند، مدعای خویش را ثابت می‌کند. در مقابل، دیدگاه دوم با استناد به ادله‌ای از جمله تمایز میان مستحبات توصیلی و مباحثات، اطلاق روایات ترتیب ثواب بر توصلیات و عدم تقیید آن‌ها با ادله محدود و اختصاص ادله مقید کننده به عبادات، بر عدم اشتراط قصد قربت در ترتیب ثواب اعمال توصیلی استدلال می‌کند و با مترتب دانستن ثواب به افعال توصیلی فاقد قصد قربت در صدد اقبال بیشتر مردم به افعال توصیلی است.

در این تحقیق با طرح دیدگاهی جدید روشن شد، ثواب دارای دو قسم تکوینی و قراردادی است. ثواب تکوینی که ناظر به حُسن فعلی و ذاتی است، ارتباطی با قصد قربت نداشته و بدون قصد قربت نیز افعال توصیلی دارای ثواب تکوینی هستند. ثواب قراردادی ناظر به حُسن فاعلی است که تنها در صورت وجود قصد قربت حاصل می‌شود، لذا بر افعال توصیلی بدون قصد قربت ثواب قراردادی مترتب نمی‌شود؛ لیکن این به معنای فقدان هرگونه اجر و پاداش قراردادی برای فاعل نبوده و در صورت تحمل سختی و مشقت از سوی فاعل توصلیات، خدای متعالی عوض استحقاقی و در صورت عدم تحمل رنج خدای سبحان تفضل غیر استحقاقی عنایت خواهد کرد. البته خدا در برخی افعال وعده پاداش داده که در این موارد به سبب وجوب عمل به وعده، پاداش اعطای شده، استحقاقی خواهد بود.

ثواب تکوینی ناظر به حُسن فعلی و ذاتی است و از آن‌جا که محل بحث واجبات و مستحبات توصیلی است، همگی دارای ثواب تکوینی هستند.

بر این اساس، طبق نظریه مختار افعال توصیلی بدون قصد قربت دارای ثواب تکوینی و پاداش قراردادی واجب هستند که با تأکید بر این جهت اقبال بیشتری به انجام افعال توصیلی و به ویژه مستحبات توصیلی حاصل شده و موجب کارآمدی بیشتر این دسته از احکام می‌شود.

قرآن كريم

١. ابن حيون، نعمان بن محمد مغربي (١٣٨٥ق)، **دعائم الإسلام**، تحقيق أصف فيضي، قم، مؤسسة آل البيت (ع).
٢. استربادي، محمد جعفر (١٣٦٣ق)، **البرهين القاطعة**، قم، انتشارات دفتر تبليغات إسلامي.
٣. برقي، احمد بن محمد بن خالد (١٣٧١ق)، **المحاسن**، تحقيق جلال الدين محدث، قم، دار الكتب الإسلامية.
٤. جعفر بن محمد (ع) (١٤٠٠ق)، **مصباح الشريعة**، امام ششم، بيروت، اعلمى.
٥. جوادى آملى، عبدالله (١٣٧٧ق)، **تفسير موضوعي قرآن كريم*** مبادى أخلاق در قرآن، تنظيم و ویراشن حسین شفیعی، قم، مركز نشر اسراء.
٦. جوادى آملى، عبدالله (١٣٨٥ق)، **تفسير قرآن كريم**، قم، مركز نشر اسراء.
٧. جوهرى، اسماعيل بن حماد (١٤١٠ق)، **الصحيح * تاج اللغة و صحاح العربية**، تحقيق احمد عبد الغفور عطار، بيروت، دار العلم للملائين.
٨. حلی، علامه (١٤١٣ق)، **كشف المراد**، قم، شکوری.
٩. خميني، روح الله (١٣٩٤ق)، **أنوار الهدایة فی تعلیمکا**یه، قم، موسسه تنظیم و نشرآثار امام خمینی.
١٠. خميني، روح الله (١٣٩٨ق)، **مناهج الوصول الى علم الاصول**، قم، موسسه تنظیم و نشرآثار امام خمینی.
١١. خوئي، سيد ابوالقاسم (١٣٦٨ق)، **اجود التقريرات**، قم، كتاب فروشی مصطفوی.
١٢. خوئي، سيد ابوالقاسم (١٤٧ق)، **التنقیح فی شرح العروة الوثقی**، قم، لطفی.
١٣. خوئي، سيد ابوالقاسم (١٤١٧ق)، **محاضرات فی الأصول**، قم، انتشارات انصاريان.
١٤. راغب اصفهاني، حسين بن محمد (١٤١٢ق)، **مفردات ألفاظ القرآن**، دمشق، دار القلم - الدار الشامية.
١٥. سبحانی تبریزی، جعفر (١٤١٧ق)، **الأسماء الثلاثة (الله، الرحمن، والعبادة)**، قم، مؤسسة الإمام الصادق (ع).
١٦. سبحانی تبریزی، جعفر (١٤٢٧ق)، **بحوث فی الملل والنحل**، قم، مؤسسة الإمام الصادق (ع).
١٧. سبحانی تبریزی، جعفر (١٤٢٨ق)، **محاضرات فی الالهیات**، قم، مؤسسة الإمام الصادق (ع).
١٨. شاطبی، ابراهیم بن موسی (١٩٩٢م)، **الاعتصام**، عربستان، دار ابن عفان.
١٩. شهید ثانی، زین الدین بن على (١٤١٣ق)، **مسالك الافهام الى تتفییح شرائع الإسلام**، قم، مؤسسة المعارف الإسلامية.
٢٠. شیخ انصاری، مرتضی (١٤١٥ق)، **رسالة فی التسامح فی ادلة السنن**، قم، جنة تحقيق تراث الشیخ الأعظم.
٢١. شیخ صدق، ابن بابویه (محمد بن على) (١٤٠٦ق)، **ثواب الأعمال و عقاب الأعمال**، قم، دار الشریف الرضی.
٢٢. صدر، سید محمد باقر (١٤٠٦ق)، **دروس فی علم الأصول**، بيروت، دار الكتاب اللبناني.
٢٣. صدرالمتألهین، محمد بن ابراهیم شیرازی (١٣٦٠ق)، **اسرار الآیات**، تهران، انجمن حکمت و فلسفه.
٢٤. صدرالمتألهین، محمد بن ابراهیم شیرازی (١٩٨١م)، **الحكمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة**، بيروت، دار احیاء التراث.
٢٥. صفار، محمد بن حسن (١٤٠٤ق)، **بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد** (ص)، محسن بن عباسی کوچه باگی، قم، مکتبة آیة الله المرعushi النجفی.
٢٦. ضیاء الدین عراقی، على بن ملا محمد (١٤١٤ق)، **مقالات الأصول**، قم، چاپ محسن عراقی و منذر حکیم.
٢٧. طباطبایی، سید محمد حسین (١٤١٧ق)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، بيروت، مؤسسه الأعلمی.
٢٨. طباطبایی حکیم، سید محمد سعید (١٤٣٤ق)، **المحکم فی أصول الفقه**، قم، دار الهلال.
٢٩. طریحی، فخر الدین بن محمد على (١٤١٦ق)، **مجمع البحرين**، تهران، مرتضوی.
٣٠. طوسي، خواجه نصیر الدین (١٤٠٧ق)، **تجزید الإعتقاد**، قم، دفتر تبليغات إسلامی.
٣١. طوسي، خواجه نصیر الدین (١٩٨٥م)، **تلخیص المحصل**، بيروت، دار الأضواء.

٣٢. عريضي، علي بن جعفر (١٣٦٧)، مسائل على بن جعفر و مستدركتاتها، مشهد، المؤتمر العالمي للإمام الرضا (ع).
٣٣. علي بن موسى (ع) (١٤٠٦)، *الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا* (ع)، قم، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث.
٣٤. عياشى، محمد بن مسعود عياشى (١٣٨٠)، *التفسير*، تهران، چاپخانه علمیه تهران.
٣٥. غروى، محمد حسين (١٢٦١)، *الفصول الغروريه في الأصول الفقهية*، بيـنـا، تهران.
٣٦. فضل بن شاذان (١٤٠٢)، *الأيضاح*، بيـرـوـتـ، مؤـسـسـةـ الأـعـلـمـيـ لـلـمـطـبـوـعـاتـ.
٣٧. فياض، محمد سحاق (١٤٢٢)، *محاضرات في أصول الفقه*، تقريرات درس آية الله خوئي، قم، مؤسسة إحياء آثار الإمام الخوئي.
٣٨. فيومي، احمد بن محمد مقرى (بيـتاـ)، *المصباح المنير في غريب الشرح الكبير للرافعى*، قم، منشورات دار الرضى.
٣٩. قاضى عبدالجبار (١٩٦٥م)، *المفہی فی أبواب التوحید و العدل*، قاهره، دار المصریه.
٤٠. کاظمی خراسانی، محمد على (١٣٧٦)، *قواعد الأصول*، تقريرات درس محمد حسين غروى نائينی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
٤١. لاهيجي، فياض (١٣٨٣)، *گوهر مراد*، تهران، نشر سایه.
٤٢. متقى، علي بن حسام (١٤٢٤)، *کنز العمال*، بيـرـوـتـ، دارالكتب العلمية.
٤٣. مجلسی، محمد باقر (١٤٠٣)، *بحار الأنوار الجامعه للدرر أخبار الأئمه الأطهار* (ع)، بيـرـوـتـ، دار إحياء التراث العربي.
٤٤. محقق خراسانی، محمد کاظم (١٣٧٢)، *کفاية الأصول*، تهران، اسلامیه.
٤٥. مشكینی، علي (علي اکبر فيض) (١٣٧١)، *اصطلاحات الأصول*، قم، نشر الهدای.
٤٦. مظفر، محمد رضا (١٣٧٥)، *أصول الفقه*، قم، اسماعیلیان.
٤٧. مکارم شیرازی، ناصر (١٤٢٨)، *أنوار الأصول*، تنظیم احمد قدسی، قم، مدرسه الامام على بن ابی طالب (ع).
٤٨. منتظری، حسين على (١٣٧٥)، *نهاية الأصول*، تقریر مباحث آیت الله بروجردی، قم، مطبعة الحکمة.
٤٩. شیخ صدوق، ابن بابویه (محمد بن على) (١٣٦٢)، *الخصال*، قم، جامعه مدرسین.

منابع اینترنتی

٥٠. اعرافی، علیرضا، درس خارج فقه تربیتی، (١٣٧٧/١١/٠٦)، قم، سایت مدرسه فقاـهـتـ.
٥١. اعرافی، علیرضا، درس اصول فقه، (١٣٩١/٠٨/٠٧)، قم، سایت مدرسه فقاـهـتـ.
٥٢. اعرافی، علیرضا، درس اصول فقه، (١٣٩١/٠٨/٠٨)، قم، سایت مدرسه فقاـهـتـ.
٥٣. اعرافی، علیرضا، درس فقه روابط اجتماعی، (١٣٩٩/١٢/١٢)، قم، سایت مدرسه فقاـهـتـ.
٥٤. اعرافی، علیرضا، درس فقه روابط اجتماعی، (١٣٩٩/١٢/١٣)، قم، سایت مدرسه فقاـهـتـ.
٥٥. هادوی تهرانی، استفتـاتـ:

hadavi.info/fa/archive/question/fa7006